



مختل می‌کند.

■ با این حساب شما نقشه مهندسی فرهنگی را خیلی باز در نظر می‌گیرید.

بله، همین‌طور است. باید در آرایش و آمایش فرهنگی همه شاخص‌ها را در نظر بگیریم، چرا که هر کدام از این مقولات دایره تأثیرگذاری خود را دارد.

بی‌توجهی به این مسائل یعنی بیماری «ام‌اس» را که کمتر از یک دهم درصد جمعیت کشورند، بعد از چند سال به نیم درصد و سپس دو درصد اضافه کنیم. دو درصد یعنی یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر. آنگاه دیگر نمی‌توان جلوی آن را گرفت.

مدیر اجتماعی اگر غفلت نکند، یک لحظه چشمش را باز می‌کند و می‌بیند که با یک فاجعه روبه‌رو شده است. بنابراین نمی‌توان گفت که ازدواج موقت، مسئله همه جامعه ما نیست، پس نباید به آن پرداخت. من در همان سخنرانی گفتم که ازدواج موقت مسئله خانواده‌ها نیست. ما هم متمایل به این موضوع نیستیم. نه ترویج می‌کنیم و نه جایزه می‌دهیم به کسی به‌خاطر آن. خود من هم در خانواده‌ای مقید، منترم و خانواده‌دوست زندگی می‌کنم. مردم ایران هم همین‌طورند. از لحاظ فرهنگی مردم ایران ازدواج موقت را دوست ندارند، نه مردان و نه زنان. من هم جزو همان‌ها هستم، اما به‌عنوان یک مدیر اجتماعی نمی‌توانم بگویم چون دوست ندارم، پس نباید راهکاری برای حل این مشکل اندیشیده شود. به‌عنوان وزیر کشور باید دغدغه هر بخش کوچک اجتماعی را داشته باشم، هرچند تعداد آنها کم باشد. باید مسائل را تفکیک کرد و هر چیز را در جای خود قرار داد. اکنون ۹۵ درصد جامعه احساس به ازدواج موقت نمی‌کنند و خواهان آن نیستند، بلکه روال سنتی ازدواج آن هم به شکل دائم و مطلوب را دنبال می‌کنند که من هم جزو آنها هستم، اما این بدان معنا نیست که از پنج درصدی که به دلایلی مشکلاتی دارند و نیاز آنها با ازدواج سنتی تأمین نمی‌شود غفلت کرد.

■ البته قطعاً این مشکل بیش از پنج درصد مردم است. همان‌طور که می‌دانید، سن ازدواج در کشور ما بسیار بالا رفته است.

با این حساب دیگر حرفی با من نخواهید داشت. ممکن است حتی روزی از من گله کنند که چرا برای این موضوع بیشتر کار نکردید. ما باید نسبت به مسائل اجتماعی خود واقع‌بین شویم.

■ انعکاس آن سخنرانی شما این‌طور بود که ازدواج موقت، تمامی مشکلات جامعه را حل می‌کند!

راه‌حل این موضوع اسلامی است. مثلاً بدترین حلال خدا طلاق است و حلال میغوش است، ولی نمی‌توان از طلاق گذشت، چرا که عده‌ای نمی‌توانند با هم زندگی کنند و نیاز به طلاق دارند. نمی‌توان که حکم خدا را توضیح داد.

البته براساس دستورات و آموزه‌های اسلامی تحکیم خانواده و بنیان

ازدواج موقت مسئله خانواده‌ها نیست. ما هم متمایل به این موضوع نیستیم. نه ترویج می‌کنیم و نه جایزه می‌دهیم به کسی به‌خاطر آن. از لحاظ فرهنگی مردم ایران ازدواج موقت را دوست ندارند، نه مردان و نه زنان. من هم جزو همان‌ها هستم، اما به‌عنوان یک مدیر اجتماعی نمی‌توانم بگویم چون دوست ندارم، پس نباید راهکاری اندیشیده شود

تبدیل به یک فرهنگ کنیم، شاخص مطلوب اجتماعی را گوشزد و جامعه را به روش صحیح و منطقی هدایت کنیم.

در طرح ارتقای امنیت اجتماعی به ۹۶ تا ۹۷ درصد فقط تذکر داده شده است.

کمتر از سه درصد نیز به مراکز خاص - نه مراکز پلیس - دعوت شده‌اند. مثلاً در تهران چند نقطه خاص برای این موضوع در نظر گرفته شده است، چرا که هیچ کس حق ندارد شهروندی را به خاطر بداخلاقی و بدحجابی به کلانتری ببرد. این مسئله کار یک تیم خاص است. در آن مراکز نصیحت، تذکر و سپس تعهد صورت می‌گیرد. کمتر از نیم درصد نیز به مراجع قضایی معرفی شده‌اند که ۵۰ درصد این عده نیز در مراکز قضایی با تعهد آزاد شده‌اند. بنابراین برخوردهای تند خیلی کم است چرا که تلاش می‌کنیم هنجارسازی و فرهنگ‌سازی صورت پذیرد و این موضوع به یک حرکت آرام نیاز دارد.

■ یکی از موضوعاتی که در یکی دو سال اخیر به نام شما زده شده، «ازدواج موقت» است که اتفاقاً با موضوع امنیت اجتماعی هم بی‌ارتباط نیست. به رغم آن که عرف جامعه و دیدگاه سنتی ایرانیان این مسئله را بر نمی‌تابد و قوانین هم جامع و کامل نیست، چرا در این باره هرزگانهی سخن می‌گویید؟

من این موضوع را در یک محفل علمی و تخصصی در آن زمان مطرح کردم، چرا که نمی‌توانم خود را از یک مشکل اجتماعی مبرا بدانم. طرح برخی مسائل متناسب با مخاطب خاص خودش است اما نمی‌توانیم به خاطر این که این مخاطب محدود است، بی‌تفاوت از آن بگذریم.

■ شخصیت علمی شما از جایگاهتان به‌عنوان وزیر کشور جدا نیست. وقتی شما در این باره می‌گویید، این تصور پیش می‌آید که شاید برنامه‌ای برای اجرا در نظر گرفته شده است و حالا دارید افکارسنجی می‌کنید؟

بله من وزیر کشورم، اما این مبحث را در یک جمع تخصصی و علمی مطرح کردم که به مسائل اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن به شکلی تخصصی نگاه می‌کنند.

یکی از برجستگی‌های فرهنگی و اعتقادی ما چه از منظر اسلامی و بومی و مذهبی و از باب ایرانی بودن، میبخت خانواده است. استحکام، جایگاه و منزلت خانواده از نقاط برجسته فرهنگ دینی، اسلامی و ایرانی ماست. همه ما باید تلاش کنیم که عنصر و کانون خانواده حفظ و تقویت شود. آسیب نبیند و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن هم افزایش پیدا کند، چرا که به هر میزان در خانواده سرمایه‌گذاری صورت بگیرد، منافع آن مستقیماً متوجه کلیت جامعه می‌شود. یعنی از آن دسته حوزه‌هایی است که سرمایه‌گذاری در آن فوق‌العاده با ارزش افزوده روبه‌روست.

برای این که بتوانیم کانون خانواده را حفظ کنیم، همه ابعاد آن را باید به دقت بررسی کنیم. از مقدمات تشکیل خانواده، ضوابط مراودات و روابط خانواده، مطالب پیرامونی آن و ارتباط خانواده و جامعه اینها را باید به‌طور کامل در نظر گرفت.

در هر حوزه اجتماعی یک حوزه حاشیه‌ای نیز وجود دارد و افرادی به دلایلی نمی‌توانند از این موقعیت تشکیل خانواده برخوردار شوند. از طرفی عده‌ای یکسری نیازهایی دارند که عمدتاً نیازهای عاطفی، مادی، اقتصادی است و برخی از این نیازها مقدماتی و برای آشنایی است و جنبه تحقیقاتی دارد. باید این موارد را به صورت منطقی در نظر گرفت و برای آنها راهکار ارائه داد، هرچند که درصد این گروه هم کم باشد. شما اگر برای سلامت جامعه هم برنامه‌ریزی می‌کنید باید حتی آن بیماری را که جمعیت کمی را پوشش می‌دهد، در نظر بگیرید.

مثلاً شمار بیماران «ام‌اس» در کشور زیر ۲۰ هزار نفر است و براساس آمار غیررسمی زیر ۵۰ هزار نفر. برای این موضوع امروز چند ده میلیون دلار دارم می‌خریم، چرا که این بیماری برای جامعه پزشکی ما دغدغه جدی است. اگر ۵۰ هزار نفر را هم در نظر بگیریم، می‌بینیم که تعداد این افراد کمتر از یک دهم درصد است.

مگر مدیر اجتماعی می‌تواند از این تعداد به خاطر آن که بخش کمی از جامعه است، غفلت کند؟ درست است که جمعیت کمی است، اما روان کل جامعه را به هم می‌ریزد. اصلاً نمی‌تواند زندگی اجتماعی را مختل کند. اگر یک بچه‌ای را افرادی بدزدند و خدای نکرده او را بکشند، نمی‌توان گفت که حالا یک بچه کشته شده است، چرا به این مسئله ترتیب اثر بدهیم؟ به این مسائل بی‌توجه شویم، مرض می‌ریزد بیرون و نظام اجتماعی را

رسانه‌ها باید در مقولات امنیت اجتماعی درگیر شوند، نه امنیت اخلاقی، چرا که بین امنیت اجتماعی و امنیت اخلاقی تفاوت است.

در زمینه امنیت اجتماعی رسانه‌ها باید به سمت ایجاد یک فضای مثبت عمومی حرکت کنند و دست به هنجارسازی بزنند و نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و آثار منفی هنجاری‌ها را بیان کنند، اما درباره امنیت اخلاقی بیشتر برخوردها باید برخوردهای شخصی، تذکر و ارشاد باشد، چرا که در این باره عکس و دوربین و مطالب رسانه‌ها جواب نمی‌دهد.

حالا ممکن است در برخی جاها نیز اشتباهاتی صورت گیرد یا اصلاً خود هنجارسازکن‌ها دوربین دست بگیرند و عکس تهیه کنند که قطعاً اهدافی را دنبال می‌کنند. باید تأکید کنیم که در سیاست‌های ما همه چیز یک دست نیست، چرا که طرح هر موضوعی در جامعه مطلوب نیست. برخی مسائل فقط باید در حد نظر و چند مثال مطرح شود، به خاطر آن که اگر بیش از این باز شود خود آن موضوع بدم‌آموزی دارد.

■ مثلاً چه موضوعاتی؟

مثلاً حرکت‌های ضداخلاقی که در خانه‌های فساد اتفاق می‌افتد یا برخی اتفاقاتی که برای جوانان و جوانان فرساری رخ می‌دهد؛ این موضوعات را نمی‌توان زیاد در جامعه طرح کرد چرا که فضای روانی جامعه آزار می‌بیند.

نمونه‌های این چنینی را باید عملاً تذکر و خانواده‌ها را نصیحت کرد. مثلاً از یک دبیرستان خبر رسید که مشکلاتی دارد. در حل این مشکل باید برای همان جمعیتی که در معرض آسیب هستند، سخنرانی کرد و الزامی ندارد که آن را به جامعه تسری دهیم.

■ در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی نیروی انتظامی اعلام کرد که کاملاً هماهنگ و قانونی عمل کرده است، ولی دولت رسماً اعلام کرد که این موضوع حاشیه‌های مهمی داشته و انتقاداتی به این مسئله دارد.

این‌طور نیست که دولت به اصل اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی انتقادی داشته باشد، بلکه انتقاد به برخی روش‌هاست. طرح ارتقای امنیت اجتماعی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که بخشی از آن، قوانین مطرح کشور است. افکار عمومی، هنجارها و ارزش‌های جامعه ما همه تأکید دارد که این طرح اجرا شود. ما موظفیم به اجرای این طرح. مگر می‌توانیم بگوییم که جرم رها بشود تا در جامعه هر کس هر کاری که دلش خواست، انجام دهد.

■ در روش‌ها بحث است.

بله، بحث در برخی روش‌ها است. مثلاً ریساده‌روی کردیم یا نکردیم. تبلیغاتمان خوب بود یا نه. بحث بر سر تاکتیک‌ها و روش‌هاست. دولت، دولت اصولی و ارزش‌گراست. طبیعی است که از ارزش‌ها دفاع می‌کند. مگر کسی می‌تواند در جامعه ما ارزش‌ها را کم‌رنگ کند و این دولت اصلاً مقید به مسائل ارزشی است. خاستگاه اجتماعی خودش را و پایگاه حمایتی خودش را در جامعه نگاه ارزشی و ذهنیت اصولگرایی جامعه می‌داند. بحث بر سر روش‌هاست که مثلاً اگر نیروی انتظامی این‌طور عمل کرد، درست نیست. به‌این‌جهت‌ها زیاد کرده‌ایم. با نیروی انتظامی، فرماندهان و افسران که مثلاً این روش بهتر است یا روش دیگر، این کار را بکنیم یا آن کار را.

برخی کارها هم هست که باید پیامدهای آن را دید تا آثار آن روشن شود. تا انجام ندهیم، خودش را نشان نمی‌دهد.

■ فضای عمومی کشور را در اجرای این طرح چگونه دیدید؟ چه آثاری به دنبال داشته است؟

از دید کلان که به مجموعه امنیت اجتماعی و اخلاقی نگاه می‌کنم، می‌بینم که جامعه به حمایت از حقوق و محافظت از ارزش‌های خود نیازمند است بنابراین مجریان و مسئولان باید آن را اجرا کنند. جامعه و افکار عمومی اکنون احساس می‌کند که چنین جریان وجود دارد و تقویت شده و از این‌رو پیامدهای آن را مثبت ارزیابی می‌کند.

از سوی دیگر مجموعه نظرسنجی‌هایی هم که تاکنون گرفته‌ایم، حکایت از بازتاب مثبت این اقدامات دارد. مثلاً در بحث مبارزه با مواد مخدر بیشترین رضایت وجود داشته است. در برخورد با اراذل، رضایت خیلی بالا بود. البته نسبت به برخی روش‌ها نیز انتقاداتی شده که در این‌باره توصیه‌های لازم صورت گرفته است.

اکنون بیشترین انتظار جامعه آن است که این موضوع ادامه پیدا کند و این‌چون نباشد که موحی بیاید و برود و تلاطم نداشته باشد.

■ فکر می‌کنید تاکنون این‌گونه بوده که موحی آمده و رفته و ادامه نداشته است؟

این مسئله باید استمرار پیدا کند و تثبیت شود. برای نهادینه شدن، باید اطلاعات بیشتری صورت گیرد، چرا که نیازمند برآوردهای دقیق‌تر است. وقتی که به استمرار آن فکر می‌کنیم، نیازمند حرکت غیرچشمی هستیم نه شتاب اولیه. فکر شتاب اولیه برای یک پیست مسابقه لازم است که زمان کوتاهی دارد اما وقتی دو ماراتن و مسیر طولانی باشد، باید به پیمودن کل مسیر فکر کرد.

ما سعی کرده‌ایم که حرکتمان را به آرامی پیش ببریم. این که گاهی اوقات سؤال می‌شود که تأثیرات این اقدامات تاکنون چه بوده است، پاسخ این است که ما به تأثیرات چشمی اعتقادی نداریم چرا که مطلوب نیست. مثلاً در موضوع رعایت اخلاق اجتماعی مانند حجاب باید سعی کنیم آن را